

ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم

¹ و چون نزدیک به اورشلیم به بیت فاجی و بیتعیا بر کوه زیتون رسیدند، دو نفر از شاگردان خود را فرستاده،² بدیشان گفت: بدین قریهای که پیش روی شما است بروید و چون وارد آن شدید، در ساعت کَرِه الاغی را بسته خواهید یافت که تا به حال هیچ کس بر آن سوار نشده؛ آن را باز کرده، بیاورید.³ و هرگاه کسی به شما گوید: چرا چنین می کنید؟ گوید: خداوند بدین احتیاج دارد؛ بی تأمل آن را به اینجا خواهد فرستاد.⁴ پس رفته کَرِه های بیرون دروازه در شارع عام بسته یافتند و آن را باز می کردند،⁵ که بعضی از حاضرین بدیشان گفتند: چه کار دارید که کَرِه را باز می کنید؟ آن دو نفر چنانکه عیسی فرموده بود، بدیشان گفتند. پس ایشان را اجازت دادند.⁷ آنگاه کَرِه را به نزد عیسی آورده، رخت خود را بر آن افکندند تا بر آن سوار شد.⁸ و بسیاری رختهای خود و بعضی شاخه ها از درختان بریده، بر راه گسترانیدند.⁹ و آنانی که پیش و پس می رفتند، فریادکنان می گفتند: هوشیعیانا، مبارک باد کسی که به نام خداوند می آید.¹⁰ مبارک باد ملکوت پدر ما داود که می آید به اسم خداوند. هوشیعیانا در اعلی علیین.

¹¹ و عیسی وارد اورشلیم شده، به هیکل درآمد و به همه چیز ملاحظه نمود. چون وقت شام شد با آن دوازده به بیت عثیا رفت.¹² بامدادان چون از بیت عثیا بیرون می آمدند، گرسنه شد.¹³ ناگاه درخت انجیری که برگ داشت از دور دیده، آمد تا شاید چیزی بر آن بیابد. اما چون نزد آن رسید، جز برگ بر آن هیچ نیافت زیرا که موسم انجیر نرسیده بود.¹⁴ پس عیسی توجّه نموده، بدان فرمود: از این پس تا به ابد، هیچ کس از تو میوه نخواهد خورد. و شاگردانش شنیدند.

ورود عیسی به معبد گشت

¹⁵ پس وارد اورشلیم شدند. و چون عیسی داخل معبد گشت، به بیرون کردن آنانی که در معبد خرید و فروش می کردند شروع نمود و تختهای صرافان و کرسیهای کبوترفروشان را وازگون ساخت،¹⁶ و نگذاشت که کسی با ظرفی از میان معبد بگذرد،¹⁷ و تعلیم داده، گفت: آیا مکتوب: "نیست که خانه من خانه عبادت تمامی اُمّت ها نامیده خواهد شد؟" اما شما آن را

یسوع الملك يدخل اورشلیم

¹ وَلَمَّا قَرَّبُوا مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى بَيْتِ فَاجِي وَبَيْتِ عَثْيَا، عِنْدَ جَبَلِ الزَّيْتُونِ، أَرْسَلَ اثْنَيْنِ مِنْ تَلَامِيذِهِ² وَقَالَ لَهُمَا: اذْهَبَا إِلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمَامَكُمَا، فَلِلَّوْفِ وَأَتَمَّا دَاخِلَانِ إِلَيْهَا تَجِدَانِ جَحْشًا مَرْبُوطًا لَمْ يَجْلِسْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، فَخَلَّاهُ وَأَتَيَا بِهِ.³ وَإِنْ قَالَ لَكُمَا أَحَدٌ: لِمَاذَا تَفْعَلَانِ هَذَا؟ فَقُولَا: الرَّبُّ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ، فَلِلَّوْفِ يُرْسِلُهُ إِلَى هُنَا. فَمَصِّيَا وَوَجَدَا الْحَاشِ مَرْبُوطًا عِنْدَ الْبَابِ خَارِجًا عَلَى الطَّرِيقِ فَخَلَّاهُ.⁵ فَقَالَ لَهُمَا قَوْمٌ مِنَ الْقِيَامِ هُنَاكَ: مَاذَا تَفْعَلَانِ تَحْلَانِ الْحَاشِ؟⁶ فَقَالَا لَهُمَا كَمَا أَوْصَى يَسُوعُ، فَتَرَكُوهُمَا. فَأَتَيَا بِالْحَاشِ إِلَى يَسُوعَ، وَالْقِيَا عَلَيْهِ ثِيَابَهُمَا فَجَلَسَ عَلَيْهِ.⁸ وَكَثِيرُونَ قَرَسُوا ثِيَابَهُمْ فِي الطَّرِيقِ، وَأَخْرَجُوا قِطْعُوا أَعْصَانًا مِنَ الشَّجَرِ وَقَرَسُوهَا فِي الطَّرِيقِ. وَالَّذِينَ تَقَدَّمُوا وَالَّذِينَ تَبِعُوا كَانُوا يَصْرُخُونَ قَائِلِينَ: أَوْصَتَا، مُبَارَكُ الْآتِي بِاسْمِ الرَّبِّ،¹⁰ مُبَارَكُ مَمْلَكَةِ أَيْبَا دَاوُدَ الْآتِيَةِ بِاسْمِ الرَّبِّ، أَوْصَتَا فِي الْأَعَالِي.

¹¹ فَدَخَلَ يَسُوعُ أُورُشَلِيمَ وَالْهَيْكَلُ، وَلَمَّا تَطَرَّ حَوْلَهُ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ إِذْ كَانَ الْوَقْتُ قَدْ أَمْسَى خَرَجَ إِلَى بَيْتِ عَثْيَا مَعَ الْاِثْنَيْنِ عَشَرَ.

یسوع یلعن شجرة تین

¹² وَفِي الْعَدِ لَمَّا خَرَجُوا مِنْ بَيْتِ عَثْيَا جَاعَ.¹³ فَتَطَرَّ شَجَرَةً تَيْنَ مِنْ بَعِيدٍ عَلَيْهَا وَرَقٌ، وَجَاءَ لَعْلَةً يَجِدُ فِيهَا سَبِيًّا، فَلَمَّا جَاءَ إِلَيْهَا لَمْ يَجِدْ سَبِيًّا إِلَّا وَرَقًا، لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ وَقْتُ الثَّيْنِ.¹⁴ فَقَالَ يَسُوعُ لَهَا: لَا يَأْكُلُ أَحَدٌ مِنْكَ ثَمَرًا بَعْدَ إِلَى الْآبَدِ. وَكَانَ تَلَامِيذُهُ يَسْمَعُونَ.

یسوع یطرد الثَّجَارَ مِنَ الْهَيْكَلِ

¹⁵ وَجَاءُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ. وَلَمَّا دَخَلَ يَسُوعُ الْهَيْكَلُ ابْتَدَأَ يُخْرِجُ الَّذِينَ كَانُوا يَبِيعُونَ وَيَسْتَرُونَ فِي الْهَيْكَلِ وَقَالَ لَهُمَا: لِمَاذَا تَفْعَلَانِ هَذَا؟ فَقَالَ لَهُمَا كَمَا أَوْصَى يَسُوعُ، فَتَرَكُوهُمَا. فَأَتَيَا بِالْحَاشِ إِلَى يَسُوعَ، وَالْقِيَا عَلَيْهِ ثِيَابَهُمَا فَجَلَسَ عَلَيْهِ.⁸ وَكَثِيرُونَ قَرَسُوا ثِيَابَهُمْ فِي الطَّرِيقِ، وَأَخْرَجُوا قِطْعُوا أَعْصَانًا مِنَ الشَّجَرِ وَقَرَسُوهَا فِي الطَّرِيقِ. وَالَّذِينَ تَقَدَّمُوا وَالَّذِينَ تَبِعُوا كَانُوا يَصْرُخُونَ قَائِلِينَ: أَوْصَتَا، مُبَارَكُ الْآتِي بِاسْمِ الرَّبِّ،¹⁰ مُبَارَكُ مَمْلَكَةِ أَيْبَا دَاوُدَ الْآتِيَةِ بِاسْمِ الرَّبِّ، أَوْصَتَا فِي الْأَعَالِي.

الصلاة والغفران

²⁰ وَفِي الصَّبَاحِ إِذْ كَانُوا مُجْتَازِينَ رَأَوْا الثَّيْنَةَ قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْأَصُولِ.²¹ فَتَذَكَّرَ بَطْرُسُ وَقَالَ لَهُ: يَا سَيِّدِي، انْظُرْ،

الَّتِي لَعَنَهَا قَدْ يَبْسُتُ.²² فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: لِيَكُنْ لَكُمْ إِيمَانٌ بِاللَّهِ.²³ لَأَتِي الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ مَنْ قَالَ لِهَذَا الْجَبَلِ: انْثَقِلْ وَانْطَرِحْ فِي الْبَحْرِ، وَلَا يَشْكُ فِي قَلْبِهِ، بَلْ يُؤْمِنُ أَنَّ مَا يَقُولُهُ يَكُونُ، فَمَهْمَا قَالَ يَكُونُ لَهُ.²⁴ ذَلِكَ أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَا تَطْلُبُونَهُ حِينَما تُصَلُّونَ فَأَمِنُوا أَنْ تَنَالُوهُ فَيَكُونْ لَكُمْ.²⁵ وَمَتَى وَقَفْتُمْ تُصَلُّونَ فَاعْفُوا إِنَّ كَانَ لَكُمْ عَلَى أَحَدٍ شَيْءٌ لِكَيْ يَغْفِرَ لَكُمْ أَيْضاً أَبُوكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ رَلَا تَكُنْ. وَإِنْ لَمْ تَغْفِرُوا أَنْتُمْ لَا يَغْفِرَ أَبُوكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ أَيْضاً رَلَا تَكُنْ.

سلطان يسوع

²⁷ وَجَاءُوا أَيْضاً إِلَى أُورُشَلِيمَ. وَفِيمَا هُوَ يَمْشِي فِي الْهَيْكَلِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ وَالشُّبُوحُ،²⁸ وَقَالُوا لَهُ: يَايَ سُلْطَانٍ تَفْعَلُ هَذَا وَمَنْ أَعْطَاكَ هَذَا السُّلْطَانَ حَتَّى تَفْعَلَ هَذَا؟²⁹ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: وَأَنَا أَيْضاً أَسْأَلُكُمْ كَلِمَةً وَاحِدَةً. أَجِيبُونِي، فَأَقُولَ لَكُمْ يَايَ سُلْطَانٍ أَفْعَلُ هَذَا.³⁰ مَعْمُودِيَّةُ يُوَحْنَا، مِنَ السَّمَاءِ كَاتَتْ أَمْ مِنَ النَّاسِ؟ أَجِيبُونِي. فَقَفَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ قَائِلِينَ: إِنَّ قُلْنَا مِنَ السَّمَاءِ، يَقُولُ: فَلِمَذَا لَمْ تُؤْمِنُوا بِهِ؟³² وَإِنْ قُلْنَا: مِنَ النَّاسِ، فَخَافُوا الشَّعْبَ. لِأَنَّ يُوَحْنَا كَانَ عِنْدَ الْجَمِيعِ أَنَّهُ بِالْحَقِيقَةِ نَبِيٌّ.³³ فَأَجَابُوا وَقَالُوا لِيَسُوعَ: لَا نَعْلَمُ. فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: وَلَا أَنَا أَقُولُ لَكُمْ يَايَ سُلْطَانٍ أَفْعَلُ هَذَا.

مغاره دزدان ساخته‌اید.¹⁸ چون رؤسای کهنه و کاتبان این را بشنیدند، در صدد آن شدند که او را چطور هلاک سازند زیرا که از وی ترسیدند چون که همه مردم از تعلیم وی متحیر می‌بودند.¹⁹ چون شام شد، از شهر بیرون رفت.

²⁰ صبحگاهان، در اثنای راه، درخت انجیر را از ریشه خشک یافتند.²¹ پطرس به‌خاطر آورده، وی را گفت: ای استاد، اینک، درخت انجیری که نفرینش کردی خشک شده!²² عیسی در جواب ایشان گفت: به خدا ایمان آورد،²³ زیرا که هرآینه به شما می‌گویم، هر که بدین کوه گوید: منتقل شده، به دریا افکنده شو و در دل خود شک نداشته باشد بلکه یقین دارد که آنچه گوید می‌شود، هرآینه هر آنچه گوید بدو عطا شود.²⁴ بنابراین به شما می‌گویم، آنچه در عبادت سؤال می‌کنید، یقین بدانید که آن را یافته‌اید و به شما عطا خواهد شد.²⁵ و وقتی که به دعا بایستید، هر گاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را ببخشید تا آنکه پدر شما نیز که در آسمان است، خطایای شما را معاف دارد.²⁶ اما هرگاه شما نبخشید، پدر شما نیز که در آسمان است تقصیرهای شما را نخواهد بخشید.

²⁷ و باز به اورشلیم آمدند. و هنگامی که او در معبد می‌خرامید، رؤسای کهنه و کاتبان و مشایخ نزد وی آمده، گفتندش: به چه قدرت این کارها را می‌کنی و کیست که این قدرت را به تو داده است تا این اعمال را بجا آری؟²⁹ عیسی در جواب ایشان گفت: من از شما نیز سخنی می‌پرسم، مرا جواب دهید تا من هم به شما گویم به چه قدرت این کارها را می‌کنم.³⁰ تعمید یحیی از آسمان بود یا از انسان؟ مرا جواب دهید.³¹ ایشان در دلهای خود تفکر نموده، گفتند: اگر گویم از آسمان بود، هرآینه گوید پس چرا بدو ایمان نیاوردید.³² و اگر گویم از انسان بود، از خلق بیم داشتند از آنجا که همه یحیی را نبیای بر حق می‌دانستند.³³ پس در جواب عیسی گفتند: نمی‌دانیم. عیسی بدیشان جواب داد: من هم شما را نمی‌گویم که به کدام قدرت این کارها را بجا می‌آورم.